

زندگی مبارک از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۰ - رسم

مادر سار را به راجه به او می‌آورد؛ نسبت کمبود بود در دست‌آورد هم‌عصرانم
که او با ز روغنه نوامار را با شکر ساخت و در نیمه اردیبهشت
طعمدار شود. ۱۷۰۰ نمونه تهیه. روشنگر بود در بار ملیست انقلاب اگر
رادرگ شود.

روشنه نوامار که در سال ۱۹۱۷ تکرار شد باز در کیف به بار
رسم امراضی در اکوف کسور

تا بر زردی است حولانم و روزی دست‌نزدانم

رائزک این قضیه را قلم گرفت که در خانه خود نگه نظر بود

در سال ۱۹۱۸ - ۱۹۱۹ بار محمد باکر ولدان

دانشکده لانت داد که در همان صفت انگلی ادبی که بود در بار

آفسال ۱۹۱۷ رئیس این صفت

همین صفت ادبی دانگه در سال ۱۹۱۵ شکست

که در صفت آن رسد فزونی

رابع ۱۷ - دهم

اولی مرتبه دانشمند ۱۹۱۴/۲۱ - دکترش در ۱۹۴۱/۲۵

ازجای صاحب

دیپلوم ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۰ - دکتر طندار ارتجاع سوره لغتی ازجانبه

دانشگاه تهران دکتران دوله طندار سینه . دکتران دوله ایران را

به بکلونی (مغز صفتی انگلیسی سینه . انگلیسی به دولت دکتران دوله

۱۵۰ هزار پوند استرلینگ دانشمند (۱۹۳۹) در آذربایجان

۱۹۱۹ ازجانبه

در سفر ۵ ساله به ایران سوره لغتی ایران سوره لغتی

لغت روزنامه ایران که توقیف شد در آن روزنامه ادوین حوزا

در وقت جنگ در انگلیس سینه

با اهل حوزا است موقوف مردم و سوره لغتی مردم از دست

رژاد

دیپلوم ۱۹۲۰ سوره لغتی در ایران سوره لغتی سوره لغتی

فرماندهای ایران در سال ۱۹۲۰ سوره لغتی سوره لغتی

رباع بهار - دیلم

غزین

آن ف - صنفت در سال ۱۹۴۱ از طرف دولت ^{مجلس} صادر شد
 این سال - سال ۱۳۷۰ گرامر دانشگاه آنتز عمر بزرگ بود . ول ۱۳۷۰
 [در سال ۱۹۴۵ در سال ۷ پیام تده ۱۹۴۵]
 دیگر نافع خود را در نظر نکرد من جو سال رتبه کرده ام از آن کی . ع سالگی
 را در این ^{صفتی} دادی صرف انعام . من به عمده را برار رتبه دکان
 شدن و خوشی مردم طردان صرف انعام دالامگاه بزرگه است
 درست کرده ام دل در آورد خود دستا . مکرزم . (باید فاکه راطان)
 در سال ۱۳۷۰ ۲۰ در سفارت بزرگ بر از وضع به پس از
 دعا فر لو یک کط الام میت . از اسرار من دور در

دخترت است

دعا دنده نیز از سفار این دور به آیت

رباع - ۱۷ - دہلی

۱۲ نومبر ۱۹۲۱ رضا خان ایک روزہ خراج کے انقلاب کو سونپ کر
خدا کے نام سے گورنر کو دعا کر کے حکومت پر ایمان اظہار کیا
سہ ہفتہ دانتا دورِ رضا خان دیر چکے۔ دوسرے دو دن "سوم جوتہ"
بارہ بجے کے دم ماہر تہ آئے تھے

در ۱۹۲۱ بارہ ہفتہ تک دو سال تک میں لکھا (از طرفہ) ~~میں~~
بھنگو دے دے گئے تھے۔ دیکھ کر ~~میں~~ ^{روزانہ} نوبارہ را انتہا زدہ
دیں سے واقف و ادب را در آن مطلع کرد۔ روزانہ ہر روز لکھتے

در ۱۹۲۳ رضا خان رئیس العوام کے طور پر آفریل ۱۹۲۵
سلطنت ماقریبہ را بخش و خود سلطنت سے۔ رضا خان
کو روئے و حکمرانی کو روزانہ لکھتے تھے۔ دیکھ کر ~~میں~~ ^{روزانہ} عساف اراک
کو۔ فرنگیوں کے دیکھ کر۔ لکھتے تھے

لازمہ میں دیکھتے
активно участвовал во всех оппо
з истинных движениях
وعدہ وزارت جنگ کے دفتر میں لکھتے تھے

پنج - ۱۲ - دسم

دسم صفت لایحه‌نویس امر لاهی قصف سرانگم دستر از کور رانوش

سراز آتم نوره ستم صلی لایحه‌نویس کتاره صوتی کریم با رادیو سردار

در ۱۹۴۲ ملک صورت دوران اسکار تراجم پسته دلی

دچار سوزش پلین و پرازند ۰۶۵ خود سگر شده

مکمل با منظران سینه کرده

در دوره ۲ ساله دیکتاتور اعف با صلی و سینه کتاره تراجم

سردار ایام در روزهای ۲۴ و ۲۵ این ۱۹۵۱ (مجموعه)

نقشات اسکار و درام دوره لغزان «کارنامه زندان» و

سراسر سنگ درام حضور سنگ

مقاله

سراز ~~دوره~~ انفا در کار داد ۱۹۶۱ لایحه کتاره

در توفیق اسکار سنگ

سراز خم صدر سنگ لایحه رادیو روایت و مانع

سنگ و نخل الکواغ و سنگ سنگ لایحه